

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد چهارم

شماره هفتاد و هفت ۲۷۰ - ۲۲۹

روزنامه نصابی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
واحد ۱۰

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

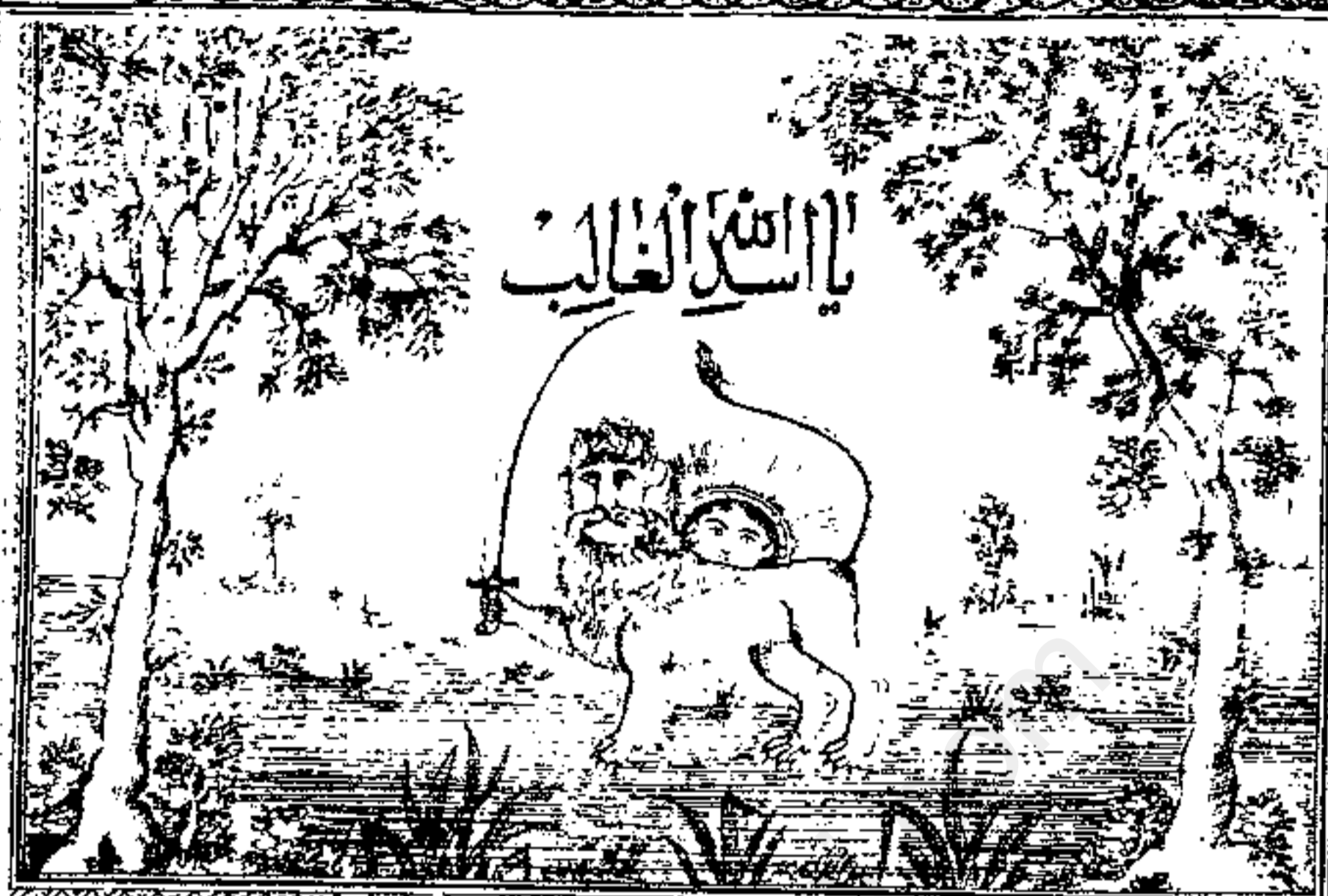
شماره ۱۳۷۱

اسم الله الوهوب

توضیح:

از صفحه ۲۹۹۷ شماره ۲۵۸ به بعد با احتساب یک صفحه سفید بعد از صفحات ۲۹۹۷
آورد شده است بطور مثال در باین صفحه شماره ۴۵۸ تعداد صفحات ۲۰۰ نه هجده
صفحه قیود شده در صورتی که متن چاپ شده فقط یک صفحه می باشد برای شماره جویس در
مصرف کاغذ از چاپ یک صفحه سفید اضافی خودداری شده است.

یا ایستاد الغالب



روزنامه اخبار دربار خلافت طهران

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد چهارم

شماره‌های ۳۷۵ - ۴۷۱

«بانضمام نمایه‌ها»

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

با همکاری

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

تهران

۱۳۷۴

نام کتاب: روزنامه وقایع اتفاقیه (بانضمام نمایه ها)
تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه
(تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نیش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان بنیاد فجر،
طبقه سوم، کدپستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۱؛ فاکس: ۶۴۶۹۸۵۶)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

لیتوگرافی: تصویر

چاپخانه: اکباتان

صحافی: مهرداد

تاریخ انتشار: ۱۳۷۴

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

باسمه تعالی

پیشگفتار

واژه «روزنامه» از دیرباز در ایران به کار می‌رفته است و عمدتاً حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگی وزرا و بزرگان بوده است. در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد، چنانکه به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد. روزنامه پیوسته خبرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان را سریعتر از کتاب در اختیار می‌گذاشتند و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال روبه‌رو بوده است.

امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای سایر اسناد رسمی (دولتی) از جمله منابع مهم تحقیق به شمار می‌روند، و از نظر وقوف بر مسائل گذشته جهان منبع عمده‌ای در زمینه تحقیق در تاریخ اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری و خبری ملت‌ها محسوب می‌شوند، و با مطالعه و بررسی یک نشریه در طول دوره انتشار آن می‌توان تصویری نسبتاً گویا و روشن از نگرش ناظر بر جریانها، حوادث و تحولات آن دوره به دست آورد. از این رو کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران از چندی پیش درصدد احیای روزنامه‌های قدیمی برآمد و تاکنون چند عنوان از این مجموعه را منتشر کرده است.

ویژگی مجموعه حاضر در درجه اول کامل بودن دوره آن است. اما اسلوب نگارش آن نیز از نظر سادگی و روانی در خور توجه است. از نظر محتوا نیز حاوی اطلاعاتی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی در باره ایران و غالب کشورهای آن زمان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران بر آن شد که با همکاری مرکز مطالعات و

تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد (۴۷۱ شماره بانضمام نمایه) به نشانه مشارکت در تحول عظیمی که از برکت انقلاب به دست آمده است، به جامعه اسلامی تقدیم دارد.

در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای دکتر خُرْمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر عزیزان: جناب آقای دکتر نوائی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی، آقای محمدحسن رجیبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

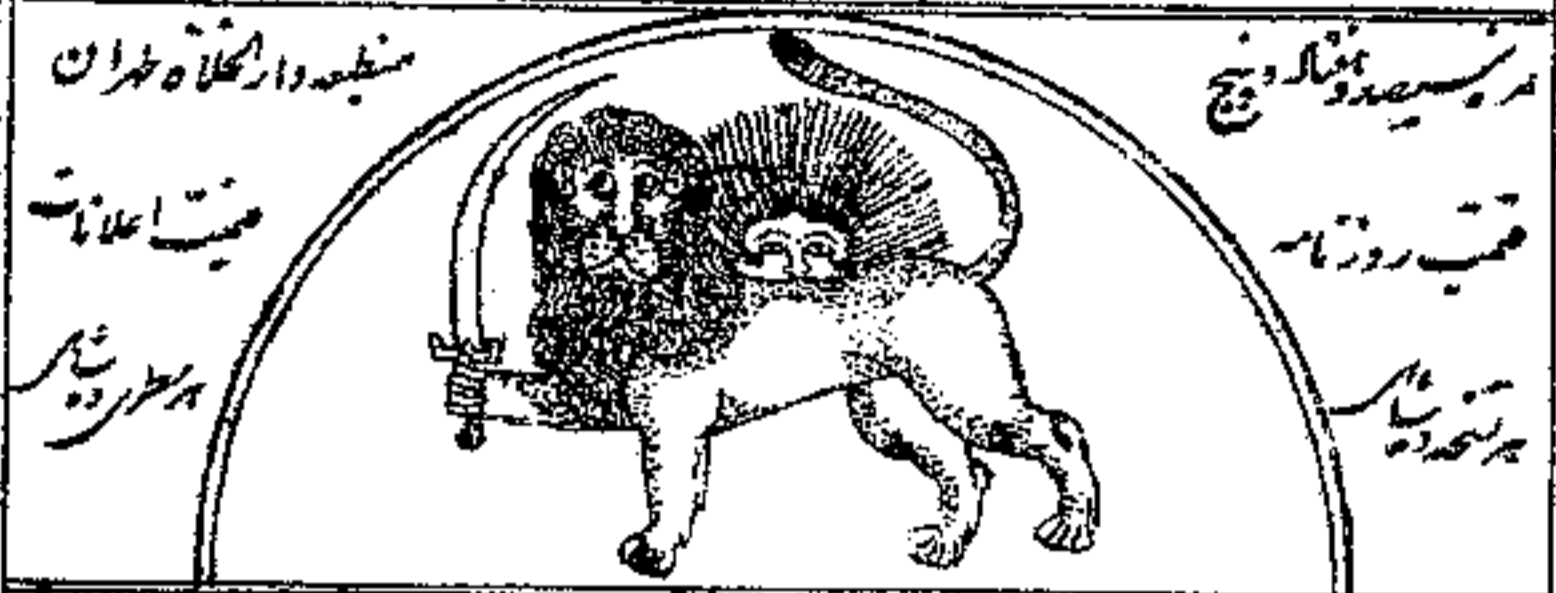
زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت ... رحمانی برعهده داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هائیکه در مجموعه کتابخانه ملی موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

جلد چهارم
شماره‌های ۳۷۵ - ۴۷۱
«بانتظام نمایه‌ها»

www.KetabFarsi.com

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج بوم شنبه بیستم شهریور سنه ۱۳۰۳



اخبار و چند مالک و سه پادشاهی

وار اخلا و طهران

سرکار اعلی حضرت اقدس عالیون شایسته ای آید همیشه نظر بظهور کمال اسحاق و معرفت خاطر بنیاد مشرق و در حق جناب اشرف امجد ارفع صدارت عظمی و وکالت کبری در روز شنبه ۱۸ شهریور سنه ۱۳۰۳ بجای شریف ایشان تشریف فرما گردیده از جانب جناب معظّم و بنیاب جلالت آفتاب نظام الملک لوازم قربانی و پیشکش و بیای انداز عمل آمده و از سایر معتقدان و دوستان ایشان نیز لوازم خدمتگذاری و صدقات شکاری تقدیم شده و در مجامع اسباب سودگی و خیر و فایده بجز و مبارک بطور شایسته عمل آمده هزاره در اینجا معرفت فرمودند و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشت تا هنگام عصر در اینجا تشریف و هیئت و تقدیمات طراز مبدول فرموده بعد از صرف عصرانه و جای بارک مبارک سلطانی و غیره حضرت عظمی مراجعت فرمودند (چون در ساین اوقات که او این بهار و فصل سگ و استخار و باغ قصری جبار کمال حضرت و خرمی و صفار اداره و لند خاطر اقدس عالیون شایسته ای مایل تفریح و تماشای باغ مزبور گردیده و در روز و دستب تشریف فرمای عمارت قصر قاجار گردیدند جناب مستطاب اشرف امجد ارفع صدر عظمی و بعضی از مقربان و خواص خدمت چشم در مرکب کابل رفتند بجهت صفاد خرمی باغ مزبور که درین اوقات فصل خوبی آنجا و بعد و بنه ماه و لطافت هوا و سکون اشجار و سبزی جو بیار و صوف و ممتاز است حذر دوزخ و آنجا توقف و تفریح خواهند نمودند) (چون بعد از تفریق منسب مسیح و امر خطیر و زارت لشکر بقرت کافان فیجده الوزراء اسلام بر آرد و در بزرگ علانی که برای منزل در نجانبه ایشان شروع باغ آن حسب الامر اقدس الاعلی شده بود

۲۵۱۱

با تمام رسیده و این روز یک است عمارت عالی شستل به اظافه های تحسانی و فوقانی و خلوت در پهلوی اطاق
 نظام مشرف میدان ارک ساخته شده قرین تمام گردید و در روز یکشنبه نوزدهم در ساعت سه در عمارت
 مزبور به توسط مقرب الخاقان حاجب الله و له مشرب دشیرینی و مرکبات و میوه خنده شده و از
 جانب سنی بجانب اقدس ها و ن اهل حضرت اقدس کلین شاهنشاهی قلد الله علیه و سلطانه محض رحمت
 و توجهات طوکانه و جمعیه شیرینی رحمت و عنایت شسته مقرب الخاقان شیخه الوزر العظام معزنی الیه در
 معینه با طاق مخصوص در بخانه خودشان با جمعی از محترمین چاکران در باری از شاهزادگان عظام
 امرای گرام و غیر رسم رفته شروع بر سپیدن اثر لشکری نمودند و چند طغ از برواه و احکام را بطریق
 بحکم ادنیای دولت علیه معتر شده بود و بنشانه گردند و جناب جلالت آکب شرف مجد ارفع صدر اعظم
 انجم و جناب جلالت آکب نظام الملک و جمعی از اعز شاهزادگان و اعیان دولت در خدمت نمودند
 جناب حضرت عظمی رفته تهنت گفته و تمامی لشکریان با مقرب الخاقان این لشکر و همچنین صاحبان
 مناسب نظامیه حاضر آمده رسم مبارکباد عمل آورده و مجلس بکمال صفاء خوبی گذشت (چون نظام
 منازل عرض شده است و عیال با ناله مرده و در سینه شویست اندر این ایام کسین نامه انقب فرمایند و در این مکرر در
 منازل برای زوار و متره دین و قرین بکمال دسترسید و آنچه که جناب جلالت و بنابر نصیاب اهل شرفه مجد صدر اعظم رهبره اوقات
 رسته به سیر قوا و چیزات و تا کید قربان است که گرام اموال نقایس و خایر در وجوده برت صدق بنای مالک و قاطره و در این مبدل
 و از جمله برای حصول دعای دوام دولت روز افزون و یکسانی و این در فاع حال زارین و فرین مسلع نوزده هزار تومان و چه
 تعمیر با طاق منازل مخصوص از قرار تفصیل ذیل بدل فرموده) (از منظر بیستون الی خانهای عرب و هم که خاک دولت علیه ایران نشسته
 مستطاب شرف و الامواله و الله و له اما مقلی بر انگر ان کراتان و مضان فایسغ شست هزار تومان قبیل نمودند که جمیع رباطات
 راه را تعمیر نموده بخلیه آبادی و اصلاح در آورده و در کمال استحکام و ایمنی تمام نمایند) (در ربطه ایوان کعبه و کعبه و کعبه را متوجه بخانه
 حیسان تیره سون و جایه با جی جیوه خان معاری شعیل و متعهد شده که در کمال تیار و استحکام تعمیر نمایند) (در منزل صدر اعظم
 کاتبهمین توجه جناب معزنی الیه بخلیه عمارت و آبادی در آمد است و منزل میان دست عالیجه رضا قلیخان با شرف
 و مات عرض راه و خیر الحاج حاجی علیسقی تاجر که خود نیز سنجیده طالب آبادی منازل بوده متعهد شده که
 دو باب رباط در کمال استحکام و مهتیا زاهدات کرده است و الله الرحمن مقرب با تمام و انجام برین
 (در منازل نرغذانی و کلید رسم عالیجه مقرب الحضره اعلییه مرتضی قلیخان حاکم سبز و در تعقل نمود
 که دو باب رباط در نهایت خوبی و صیقل و استحکام اهدات کرده با تمام برساند با جمله تا کید است
 اکید با تمام مصلحتی که رباطات مزبور با تمام برین

۲۵۱۲

چون نواب سرتیاب برآید و الا بتبار عباد الله و له حکم ان کرمانشاهان و سرحدات عراقین پیش سال
بود که از فیض حضور آمدن باین محروم بود درین مدت متعاضی حمیده بود در انتظام امور رعیت و نوکر و آبادی و آبادی
و این عموم الهی و انجام خدمات محو از دیوان اعلی مشهور معلوم خاطر ادبیای دولت ظاهر شده بود
لذات نواب معزنی الیه را احضار بدار الخلافه فرمودند که هم در سلام عید از فیض تعین آستان بوسی بایون کشت
نماید هم در از ای خدماتی که درین مدت از نواب معزنی الیه ظاهر گشته طوری مشمول غایت ادبیای دولت
ظاهر شود که موجب تشویق سایر حکام و خدمتگذاران دولت آید بنابر علی و لکن مقرب الخاقان میرزا زین العابدین
مستوفی دیوان اعلی که سمت دکالت در امور نواب معزنی الیه داشت الی قریب حوض سلطان نامور با
شد و نواب معزنی الیه در چهارشنبه عرثه وارد شاهزاده عظیم در در آنجا محیی از شاهزادگان عظام
دیدن نمودند و روز پنجشنبه و نیم که روز روز و در الخلافه بود حسب الامر ادبیای دولت قاهره محیی
شاهزادگان و مقرب الخاقان ذوالفقار خان پسر نیکان شرف و حاکم قم و مساده و مقرب الخاقان
عباس علی خان سعید الملک با یکصد سواره خاصه نظام و مقرب الخاقان مرتضی قلیخان قوللر آفانکی
با یکصد عظام خاصه و مقرب الخاقان میرزا عبد الله خان مستوفی دیوان قضاتان اعلی نامور استقبال
شدند و یاتدارک و لوازم این امر الی قریب شاهزاده عظیم استقبال نمودند و نواب معزنی الیه را با
کمال اعزاز و احترام وارد الخلافه و در حین ورود و در دیوانه مبارکه بملاقات جناب شرف امجد
ارفع فایز آمد کمال اعزاز و اکرام یافتند و در آن ساعت احضار حضور آمدس بایون کشته و ازین
پیکاه بایون کسب مغایرت نمودند و اعلیحضرت آمدس بایون شاهنشاهی با انواع تبرکات و تقاضای
نواب معزنی الیه را قریب امتیاز داشتند و از خدمات و زحماتی که در نظم سرحدات
و انجام اوامر علیه از نواب معزنی الیه بظهور رسیده بود اظهار کمال رضامندی فرمودند و تحقیقاتی که در امر
سرحدات و عموم نوکر و رعیت بود از نواب معزنی الیه فرمود پس از مشخصی از حضور آمدس بایون
بجارت دولتی جناب شرف امجد ارفع صدر عظیم که بجهت ایشان معین شده بود فرستند و جناب
معظم سجد بظهور از دیار عظیم خاطر آمدس بایون در باره نواب معزنی الیه چهار روز بعد از ورود
ایشان تشریف فرما شده اظهار کمال تقدیر نمودند و نواب معزنی الیه مقرب با کمال مفاخرت معاود
مقر حکومت خود خوانند نمود اعلان چند فقره اسباب از جمله تفکیک ولوله و یک لوله کلوزنی و ساجونی و آلات صوتی
فده بین و چند جور بلوس نوکی و کتاب فرانسوی و عربی و خط و فقه چند بر اسباب دیگر در بوم و شب عظیم
شهر شیخان دو ساعت بعد از طلوع آفتاب بهراج میشود که در کمال بزرگی استیاء فرموده با هر محذ بار از این مسجد حاجی معزنی
دولت سید عظیم بکنانه طایفه حاجی صاحب فارسی رود

۲۵۱۳

آذربایجان

از فرار یک در روزنامه دار سلطه تبریز نوشته اند امور مملکت آذربایجان از حسن مراقبت نواب
 مستطاب هزاره هفتم و الا بتا رکن الدوله علیه حکمران مملکت آذربایجان قرین منتبت و انتظام
 و خود بنفس هر روز در پواتخانه نشسته بعضی وادارهای و انجام معات دیوانی رسیدگی کمال
 نمایند و سایر کارگذاران دیوانی حسب حکم نواب مغزی الیه بر یک با انجام خدمات و مرعوات
 محول بخود اشتغال دارند از جمله مقرب انخاقان میرزا مصطفی قلی بیگلر معات و محاسبات مملکت
 آذربایجان هر روز باستوفیان اولایت در دفتر خانیسته مشغول تفریح محاسبات و وصول
 و ایصال بقایای مالیات میباشند و هم چنین مقرب انخاقان حاج میرزا محمدخان دبیر مهم خارجه
 سابقه خود هر روز در منزل در ب خانه حاضر شد و کمال دقت و رسیدگی در امور متعلقه بخود
 و امور شهر و محلات توسط مقرب انخاقان علیقلی خان بیگلر یکی و کده خدایان در نهایت انتظام و
 و نه مراقب و مواعظ نظم و امانت شهر و محلات میباشند حکام و مسائرن خبر و مملکت آذربایجان
 نیز احضار در سلطه تبریز مشغول بر دقت محاسبات گذشته و گرفتن دستور العمل سال جدید
 میباشند و مقرب انخاقان حسین پاشا خان میرنجه که مأمور وصول بقایای مالیات قراجه واقع شده
 بود خدمت محوله خود را در کمال خوبی انجام داده و مراجعت نموده است (دیگر نوشته اند که نوبت
 ساختن دیوار چوین بدت دو سال بود که در سر خدمت بودند در این اوقات عوس آنها معین شده
 با پنج عراده توپ و هورخانه و استعداده مأمور ساختن دیوار چوین شدند که با پنج عراده مأمورین سابق
 مرخص خانه باشند و هم چنین سر باران فرج بهادران نیز بجای سربازان و اول سابق اردیبل مأمور
 گردیدند) (فرج چهارم تبریزی بجهت سان دادن و بر دقتن مواجب خود احضار در سلطه تبریز
 شده و لشکر نو بیان عظام سان آنها را دیده و در اطاق نظام مشغول بر دقتن مواجب آنها باشند
 که (انواع قهرمانیه و امیریه که حسب الامراء و یای دولت قاهره احضار در بارها بودن شده بودند
 اوقات از اوطان خود علی التوالی به تبریز میسرند و حسب حکم نواب رکن الدوله کارگذاران دیوانی در کمال
 تبت و تدارک و تمام که آنها هستند که روانه دارانخانه ما بهره نمایند) (مقرب انخاقان حاجی یوسف خان
 سرب که بر حسب مأموریت بجهت نظم فرج ابوالحسنی خود از دربار عالیون قازم تبریز شده بود و دارد انجا
 حسب حکم نواب مستطاب رکن الدوله مقرر شد که با اتفاق حالجا میرزا نصر الله کزولین نامور فرج خود
 رسیدگی نموده نمودن آنها را احفظ نماید

۲۵۱۴

عربستان

از فرار که در روزنامه عربستان نوشته اند نواب استیلا پیراوه و ابوالحسن امیر حاکم آن
 و عربستان و پیراوه و کجندی در خارج و زقول اردو و اردو خود هر روز از صبح تا عصر
 بعضی و در راهها و بریا رسیدگی می نمایند و نظم کامل در آن صفحات و داده اند و عموم مالی آن
 اسوده خاطر و در حال بد های دوام دولت این اتصال اشتغال دارند (دیگر نوشته اند که از اسرار
 نواب ال کبیر دو سه نفر که سابقاً نیز به شرارت آنها سهام الدوله آنها را محبوسا در بارها مگذار جانان
 فرستاده بود و دو سال بود که بان طرف آب کرخه رفتند باز بنای خدی و هرزگی گذاشته اغلب اوقات
 پیاده خود را از آب گذرانده بد زوی شوستر و زقول رود میسگر و اندام و دو آب و غیره در
 بد زوی می بردند در این اوقات که نواب امیر الدوله بان صفحات رفتند و زقول از کس آنها
 چند نفر از آنها فرستاد که آنها را بمقام اطاعت در آورده دست از سرقت و شرارت بردارند
 بر نور سر از اطاعت باز زده قریب پانزده فرسخ از آب کرخه دورتر رفته در شب منزل گزیدند جلوه
 خود را آبیانه خستند و بنای دست اندازی گذاشته چند نفر شتر عیاران با عیارت بردند و از آب
 عقبه آنها را لازم داشته پانصد سواران با جلان و کجندی و غیره با مورثیه آنها فرود و قدح کردند
 که بپر حشام آن اطراف مطلقاً تعرض نرسانند سواره در نور حشام مورثیه شبانه روز را زده بر
 اسرار رسیده آنها را تنبیه برانموده معاودت کردند (دیگر نوشته اند که مغرب الخاقان
 محمد رحیم خان قاجار که میان کجندی و چهار بود با حسینقلی خان دسار و خواهرین هفت و چهار
 وار دارد و می در زقول شده و چند روز است که حسب حکم نواب حشام الدوله بحساب آنها رسیده
 می نمایند که محاسب گذشته را که زنده و دستور العمل آینه را گرفته بر سر شغل و کار خود برودند)
 دیگر نوشته اند که چون مشاقت اغلب طوایف عربستان در نزدیکی شوستر و زقول است بطریق
 اغلب ایلات روزگاری است و شیر شهر آورده داده و مستند نموده مراد حشامی گشته است با ارجان
 و او پاش ایلات بعضی تعذبات و هرزگی ظهور می یافت ولی در این اوقات بجهت کمال مراد حشام
 نواب حشام الدوله نهایت لطف و انتظام در میان ایلات و حشام مر نور حاصل است و کما
 و کوسفه کامیش شهری در صحرا و اطراف ایلات میچرخد و کسی قدرت دست اندازی و سرقت
 ندارد و بجهت حصول این اجتناب عموم مالی آن ولایت نهایت شکر گذازی را دارند و طرق و شوارع
 در کمال امنیت است

۲۵۱۵

اخبار دول خارج که از روزنامه های خارج ترجمه شده نوشته شود
 از قراریکه در روزنامه های پاریس نوشته اند از اخباری است که بعد از این حضرت امیرالمؤمنین
 انداخته بودند بعد از آنکه معتدین بدین آمدند بکجه که در حبیب کی از معتدین بود بجه کشف و
 مجلس خاص فرانسه آوردند که پیشینده اجراء در راه بکار برده اند اخباری و سخن انصاف شد درجه
 بار و طریقه زیاد تر ملاحظه شده بود حتی تا موری که بدین آن اجراء نامور بود از لذت تاثیر آن
 درجه هلاکت نزدیک شده بود و یکی از این معتدین هم اوستی و رود بونام که از استقبالی است
 بود بتوسط پاریس فرانسه و سیکر شد مجلس افتاد و سخن عال و دو ساعت بدین مجلس خاص
 دولت فرانسه محول کرد و از یک طرف هم سخنجوی کسانی که درین سو قصد مدحیت داشته اند
 اقدام کردید معلوم شده بود که قبل ازین کیفیت در ایالتی و اسپانیا از جانب اهل فساد بعضی اوراق
 از جیب کاغذ نشر و اعلان شده بود که امیرالمؤمنین را بیره زده اند و چنین سعادت وقت این
 بدست نخواهد آمد باید بکارهای خود توجه کنیم و بعضی از این اوراق کاغذ بدست پاریس فرانسه
 افتاده بعد از وقوع این کیفیت معلوم شده بود که این فساد از جانب بعضی معتدین که در ایالتی اسپانیا
 و بیضا و لندن متوطن شده اند بطور آرمه است و اوستی و رود بونام را که گرفته مجلس انداخته اند
 خبر روشای استیابوده ولی خود را با همسران خود از جمله خدمتکاران براری نام که در همان شب که
 این قضیه وقوع یافت دستگیر شدند و ازین مقدمه برای وقت مذکور بود که ما خبر نداریم ولی
 معلوم شد که اینها خدمتکار بوده اند و در ماده مشروطه از صفای براری نام بوده اند لکن همه مجلس انداخته
 و در پیدامنون بدستان آنها کمال حسرت و وقت را بطلانی آوردند (دیگر در روزنامه های ایالتی
 نوشته اند که در گزارش معتدین که قصد اعلیحضرت امیرالمؤمنین کرده بودند بعد از آنکه گرفتار شدند
 بیشتر آنها چون از اهل ایالتی بودند در روزنامه های فرانسه آنها را معتدین ایالتی نوشته و بهر طرف نشر
 و اعلان کردند لای ایالتی این صفره زیاد و مؤثره دل شکسته شده اند و نوشته اند که شکر از آنکه
 کسی بی سبب بقتل پادشاهی بهادرت نماید اگر در صدد هلاکت یکی از فرزندان اسم دوم براید هلاکت
 شیوه بنیشت و در اندک لحظات عاقبت است چه جای اینکه کسی قصد کشتن چنین امیرالمؤمنین را
 نماید که سبب اختلافات و فتنه عظیمه در دولت و ملت بشود و با فرض که این اشخاص مقصود خود حاصل
 میکردند آیا خود آنها چه میشدند بجز نسبت دادن این اشخاص بچون صرف معانی دیگر ملاحظه می شود
 صورت مناسب نیست که قتل اهل ایالتی بسبب این اشخاص معتد که دیوانه و از ضرر و بیکانه اند بدنام شوند

۲۵۱۶

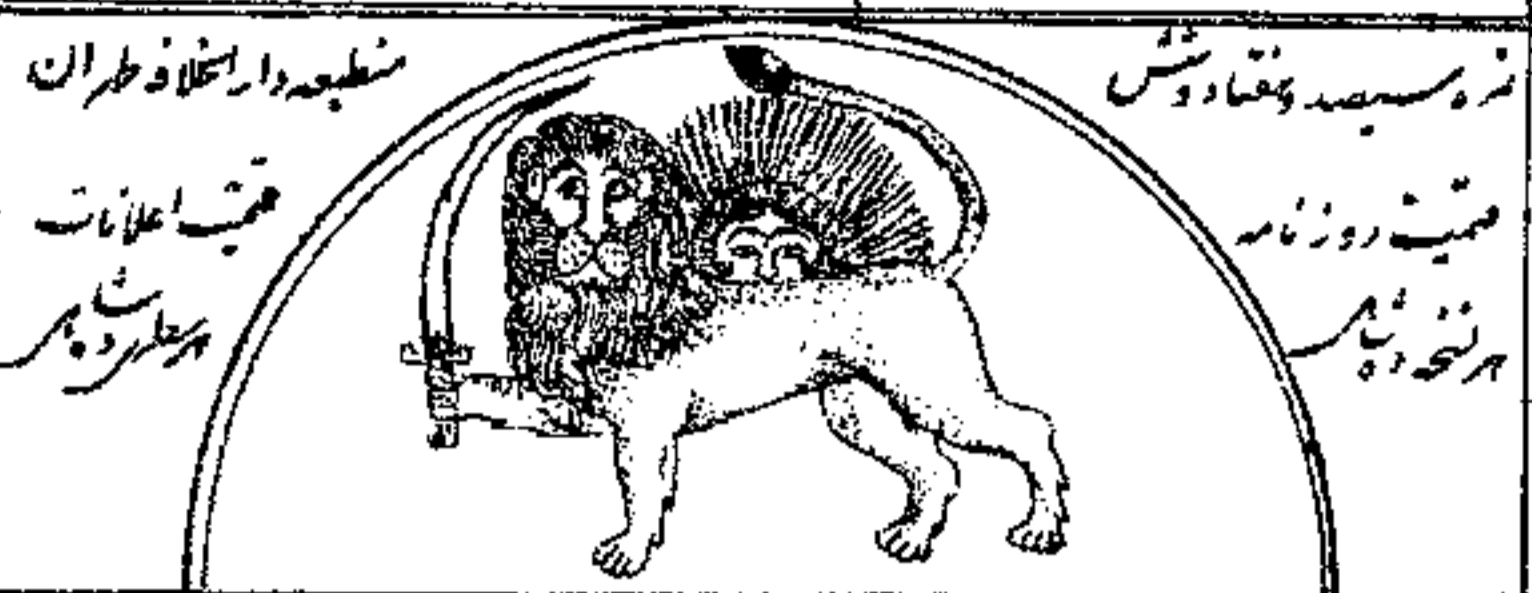
از دولت فرانسسورجا در خواست بشود که این اشخاص بسم ایالیائی مدکار نمایند (دیگر از
 فرانکجه در روزنامه برلین پای تحت پرستیه نوشته اند که در کش دولت ناپولی که سبب بعضی
 نسبت بنوع خود از جانب دولتین انگلیس و فرانسسورجا تخطیفات باو شده و او قبول کرده دولتین
 مخایره با ناپولی نموده و سجد اجرای تخطیفات خود بعضی مجال سواحل ناپولی کشتیهای جنگی فرستادند
 این که در کش حال کمال و نیم است باین سوال انده است در این اوقات فرال دولت پرستیه
 اراده تو تظ و قطع برودت مابین دول را منظور و استقامت موری مخصوص از جانب خود بنا
 ارسال داشته است که نامور منور از آنجا بپاریس و لندن نیز جسته نوزت رفته علی این که در
 نمایانگر در روزنامه های ناپولی نوشته اند که از سجد زلزله که در ناپولی اتفاق افتاد در او است
 باز حرکتی شد بدینصفت با صدای دشت انگیزانه زمین ملاحظه شد ولی بعد زلزله اول لغات کله
 از فرار یک بکرات مشاهده شده است زلزله در زیر زمین دو ستر دارد از یکسره که زمین را حرکت میدهد
 و سترانی میرساند بعد از آن سرویکر مانند اینکه آب بهای غالی همانند صدای دشت انگیز کرده برجا
 متصاعد میشود و ستر این در اغلب جاها که ظهور یافته و مشاهده کرده اند بیشتر از ستر آن سردیکر است
 و این زلزله نیز که در ناپولی ظهور یافته هر دو سترش در همان ولایت ظاهر گردیده است ولی
 که سوزنده ناپولی که گاه خاموشی گاه شعل است بطوریکه در مالک دیگر ضرر میرسانده است در
 نرسانده است که یا که سوزنده ظهور بجای دو کش و بخاری این زلزله محسوب میشود که بواسطه او بخار
 زلزله بجای در زیر زمین محسوس بوده است که مانند جای دیگر بآن درجه شدت برهوا طند شده است
 (در روزنامه فرانسسورجا نوشته اند که از اهل قوسپانیه این معتقدین که قصه علیحضرت امیرالطوفان فرانسسورجا
 بودند چند نفر مجده و از طرف پلیس تعویق نامورین حقیقه دستگیر شده و بعضی اوراق نمبسی برهنه در
 آنها بود حال مقتدا و موخر ایازده نفر از آنها دستگیر شده ماند و محاکمه آنها مختیا اجری گردیده یعنی از هر یک
 هر یک سواستخفیات شده آنچه معلوم گردیده است این اشخاص باین خود قوسپانیه قرار داده بوده
 و این همدرا که حالا بطور سنده اند اراده داشته اند در وقتی که امیرالطوفان فرانسسورجا امیرالطوفان
 امیرالطوفان کسترید در وقت تفریح بملاقات یکدیگر حضور بهم میرسانند از قوه بفعال بیاورنده آنوقت
 بود که مجال بدست نیاورده و نوشته بوده اند اقدام باین عمل نمایند) (دیگر از فرار که در
 فرانکستان نوشته در دولت جمهوری کلمبیک دنیا شخصی مورمون نام کرده ای را به پیروی خود دعوت
 نموده و وقت عیدوی اختیار کرده است باین شرح کلمت عمیوی زیاده اندک تزییح و چرا هم

۲۵۱۷

و تجویزی گفته هر کس قدرت داشته باشد هر قدر زن بخوابد بگوید جایز است این که از شش یا پنج
 جنلی اشخاص موافق آمده بسیاری متاعش را اختیار کرده بر سر او جمع شده حتی از مالک دولت
 بعضی از انعیان و برخی هم از فقر که هیچ شش دختر زیاد تر داشتند و بصرف تزویج آنها قادر بودند
 با او و عیال خود بیاورد و پیردی او در آمده بر سر او جمع شدند و در میان آنها یکی که پنجاه زن گرفته بود
 ملاحظه شد چون مالی یکی و بیانی بیگان بر ارادی است این که از شش اسباب خود گذاشته است
 برقع آن نگردد تا رفته رفته این مذمت قوی بعد خواستند یک حسن صورتی حلوانی غایب را بگیرند
 بعد از آن اگر امش را الیه را با ما بجان او در یک محلی از یکی دنیا که غالی بود بگفتی دادند چون
 محلی بود بجاتی حاصل او بود و هوای سالم داشت در آنکه مدت جانی قابل شده و جهت مشار
 روز بروز در دراز با دهنده مانند یک محلی حکومت کردید بعد چه بود خواستند آن محلی را بمانند
 سایر محال یکی دنیا بداری را طاعت و تحت امر و نهی خود در آورند بعضی نکالیه بکنند آن محلی کرده و آنها
 تکالیف جمهوری را مجموع داشته ام بر مسجد الی کرده از جانب جمهوریون با پنجاه رفته و قیامین
 محاربه اتفاق افتاده قشون جمهوری بطلب برکت نمودند و بعد در دولت قشون سپهر گردیدند
 از قراری که نوشته اند این معرکه رفته رفته شدت خواهد کرد در صورتیکه جمهوری بخواهند رفع آنرا
 بکنند باید خارج ریا و امثال بشوند (در روزنامه روس نوشته اند که در اغلب پسته خانها
 فرنگستان که عبارت از چهار خانها باشد چند علامت ای که معلوم شود که اجرت بکاتب پیش داده شده
 پولی بکل مهر از کاغذ اختراع کرده اند هر کس بختی که کاغذ میفرستد این مهر مخصوص بعد از دم خود
 پیش از وقت خرید در روزی که پسته روز می شود روی کاغذ خود پست باند به پسته خان
 روز می کند و این بجهت تسهیل امور است که اجرت کاغذ پیش از وقت داده شده و در عوض این مهر
 گرفته شده در روز پسته روانه شدن لازم نمی شود که صاحبان کاغذ برای دادن اجرت بکنند
 خانه جمعیت نمایند و این قاعده در اغلب پسته خانهای دول فرنگستان معمول است مگر در دولت
 روس در این اوقات اعلیحضرت امپراطور روس فرار داده اند که این قاعده زاور خانها
 دولت روس نیز معمول و مجری بداند) (در روزنامه اسلامبول نوشته اند بموجب اجاری که از
 سحر سیاه آمده است در این میان از مدت برودت بود و برای از اوق کلاخ سبزه و پیکاه خوجه یکتا
 جزیره مارکسب ایجاد نموده چمن سبز بوقت در آنجا مانده بوده است مگر از فرار تاریخ قوم شمس یونان
 در ایام مخصد و بعد سال قبل این زمستانی سخت شده بود است بطوری که سحر سیاه کلاخ سبزه بود

۲۵۱۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم بیست و نهم شعبان ۱۲۷۴ سال نو تبسک



منطبه دار اخلا و طهران
قیمت اعلانات
هر خط در ده

نزه سبید و عقادوش
قیمت روزنامه
هر نسخه ده

اجبار و اخلا مالک محروسه پادشاهی

دار اخلا و طهران

اعلیحضرت آقا حسن جان یون شاهاهی که در قصر قاجار تشریف داشتند در روز دوشنبه ۱۳ بهار محمول
بر سال از آنجا غربت تفرج و تماشای اسب و دوانی فرموده و میدان اسب دوانی تشریف و بنا کرده
قبل از ورود و حسب الامر عمارت میدان فرور را آرایش داده و چادرهای کوشن متعدد نیز برای مقرا و تماشا
دول متجا به رده و افواج قاجار و نظام و جبر مرکب یون صف کشیده در اول حرکت از قصر قاجار و وسطاً
و در دو موکب یون بهارت مزبور شکست بنورک شده و اولی دار اخلا و صغیراً و کبیراً بجهت زیارت وجود
بها یون و تماشای اسب و دوانی سراسر اطراف میدان از دهام تمام نموده و از جانب سنی بجواب ملوکانه
زده و ضربه های وجه نقد معمولی گذاشته بودند بعد از ورود و مرکب یون بهارت میدان فرور اسپهانی
خاصه های یون و اسپهانی را مراد خوین را که دست بسته جور کرده و ترتیب داده بودند چاکسواران
بدین ترتیب شروع بنا ختن نموده و هر کدام پیش آمدند انعام ملوکانه را بقرار تفصیل ذیل چاکسواران

۲۵۱۹

دوره اول که مسافت دور رسیده از آنکه بیم فرسخ است چهار دوره دو اند مدح بیدق زده بودند

اولی اسب عربی بندی دویم اسب کهرسب کار افندی سیم اسب عربی برنای چهارم کوه عربی متوب کافا پنجم کوه عربی
مغربی ششامان اسب کایون ششگوشی ششامان هین الله ششامان آقا محمد حسن مورد دار دبیر الملک

دوره دوم که مسافت دور رسیده از آنکه بیم فرسخ است چهار دوره دو اند مدح بیدق زده بودند
اولی اسب کوه کهرسب کار افندی سیم اسب کوه کهرسب کار افندی چهارم اسب کوه کهرسب کار افندی پنجم اسب کوه کهرسب کار افندی
ششامان اسب کایون ششگوشی ششامان هین الله ششامان آقا محمد حسن مورد دار دبیر الملک

مهر و سیم سجده بیدق بلیضا

اول است و از آنجا که سیم سبک بود و سیم سنگین است که در میان سیم است
مستطاب اشرف و لا یتجه الوزراء العظام وزیر لکر علینا نیز فارغ صدر مقام آتش کاغذون
و بعد از آنکه

پس از اختتام سب و دوانی انعام ملوکانه ببار جلوه داران و طران و غیره مبذول افتاد موکب بایون
از آنجا حرکت فرموده و بهان ترتیب شیک زینورک فعل آمده بارک مبارک سلطانی و معرفت
نزول اجلال فرمودند (مقرب الخاقان یتجه الوزراء العظام میرزا علیخان که زیارت قبالت لایت
رقه و شرفیاب آن امکان شده بود در این اوقات معاودت نموده مقرب الخاقان یتجه الوزراء العظام
وزیر لشکر و امیرالامراء العظام عباسقلی خان سیف الملک و مقرب الخاقان میرزا عبدالدخان مستوفی خا
و میرزا محمد حسین دبیر الملک و میرزا ابراهیم خان سهام الملک و محمود خان پسر مؤمن سلطان وزیر نظام
یکمترزل و در منزل با استقبال فتنه و در روز دوم جمعی از اعیان و اعاظم چاکران در بارگاه بایون
و امانی دار امخلافه مبارک لوازم استقبال و توقیر و احترام را بجا آورده روز پنجشنبه سیم سب
وارد دار امخلافه مبارک گردید چون ساعت و زود خوب بود اول بشه آمده بعد از قدری مکث و رعایت
خود سوار شده و بقصر قاپادرقه زیارت و چون فایض بچود بایون فایز و شرفیاب حضور هر ظهور کرده
مورد اشفاق و تقدمات خاطر ملوکانه شده فصلی از احوالات آن صفحات جو باشد و کمال تقاضات
بر آور باره مقرب الخاقان مشارالیه مبذول داشته از حضور مبارک مرخص گردید) (مقرب الخاقان
محمود خان میرنجه که نامور رسیدگی عمل مالی نظام آذربایجان بود در جب احضار اولیای دولت قاهره
حاضر کباب بظرف تهاب و شرفیاب خاکپای مبارک مرکار اقدس سلس بایون شائشاهی گردیده چون
در نامور سب آرزو بایجان و توقف انجامی حسن اتهمات خود را در انجام خدمات تحول و اسطام امور
مالی نظام آذربایجان ظاهر ساخته و مقرب الخاقان مؤمن سلطان وزیر نظام و پیشکار نقل مملکت آذربایجان
مراتب خدمتگاری و حسن کفایت آرد او در پیشگاه حضور هر ظهور معروض داشته خدمات او حسن و
مقبول خاطر اقدس ملوکانه افتاده مورد در محبت و عنایت گردیده و یکثوب کلچه ترمه کرمانی از پیش
خاص بدن مبارک مقرب الخاقان مشارالیه خلعت مرحمت شده و مجدداً نامور آذربایجان گردید
که کفایتی است بقا بنظام امور مالی نظام آذربایجان و انجام خدمات مرجوعه بچود پر دخته بر
و کفایت خود را پیش از پیش ظاهر سازد

۲۵۲۰

چون در شبهای صیام وقت مساک از اکل و شرب و طلوع صبح بجهت بعضی نامعلوم است و بجهت دیر باز و اذان دادن مؤذن وقت صبح غالباً نامعین است لهذا بجهت کسانی که بر کس و باشد همچنین از غزوة ماه مبارک الی بیت و نهم ماه فروردین برابر طلوع صبح را مشخص کرده که در ساعت غروب این ساعات و دقائق بسته مانده وقت طلوع صبح و انداختن توبه است

لیالی	ساعات و دقائق	ل	س	و
شب جمعه	۲	۳۰	سبته ۱۶	۳
شنبه ۱	۲	۳۳	یکشنبه ۱۷	۳
یکشنبه ۲	۲	۳۵	دوشنبه ۱۸	۳
دوشنبه ۳	۲	۳۷	سهشنبه ۱۹	۳
سهشنبه ۴	۲	۴۰	چهارشنبه ۲۰	۳
چهارشنبه ۵	۲	۴۲	پنجشنبه ۲۱	۳
پنجشنبه ۶	۲	۴۴	جمعه ۲۲	۳
جمعه ۷	۲	۴۷	شنبه ۲۳	۳
شنبه ۸	۲	۴۹	یکشنبه ۲۴	۳
یکشنبه ۹	۲	۵۱	دوشنبه ۲۵	۳
دوشنبه ۱۰	۲	۵۳	سهشنبه ۲۶	۳
سهشنبه ۱۱	۲	۵۶	چهارشنبه ۲۷	۳
چهارشنبه ۱۲	۲	۵۸	پنجشنبه ۲۸	۳
پنجشنبه ۱۳	۳	۰۰	جمعه ۲۹	۳
جمعه ۱۴	۳	۰۲		

بقرار سال گذشته مجدداً حسب الامر اولیای دولت علیه بجا کران در بار عایون اعلان شد و درین ماه مبارک صیام مالی نظام از توکی و سرباز و سواره و غیره که هر روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغولند از غزوة الی بیت و نهم انشون بدون معاف و غیره باشند مگر فرزندان قرا و خانهای ارک و شهر بوبت در سر خدمت بوده و سایر بجاوند و غیره مشغول شوند معاین و متعلین دار الفنون نیز در این ایام صیام آزاد و مرخص هستند سایر نوکر بآب

از ستوفیان عظام و صاحب منصبان نظام و امنای دیوانخانه مبارک و متعلقان کسبخانه و متبایان حرم
شبهای جمعه و دو شنبه را از آمدن بدر ب خانه سعادت و مرض بسیار شدند و در سایر ایلی هم در یکجا
بعد از قیام ماند و در در بخانه سلطانی حاضر شوند و افطار و در خدمت جناب اشرف ارفع عظم
صدر ام خواهد بود و اشخاصی که باید سلام خاکبای مبارک شرفیاب شوند تا چهار ساعت از شب گذشته
خواهند بود و بعد از آن اذن مرضی خواهند داشت اشخاصی که در مجلس نظامی جناب معزنی الیه حاضرند الی
ساعت طلوع صبح مانده در خدمت جناب معزنی الیه خواهند بود و پس از آن هر یک بمنزل خود
خواهند رفت مگر کسانی که جناب معزنی الیه را با آنها فرمایش بخصوص باشد تا طلوع صبح و احکام مرضی
باید باشند و نیز اشخاصی که شبها در در بخانه مبارک حاضر میشوند بجهت اینکه از نوکرهای آنها از دهان
زیاد نشود و عالی و ادانی علی جنسلاف المراتب از دو نفر نوکر تا پنج نفر بیشتر نماند و آن نیستند که همراه خود
بیاورند (چون در عمل صطبل توپخانه مبارک از بی ایستامی بسیار است و بی نظمی چنانچه باید حاصل شود و لهذا
از بدیهه است بوسیله اولیای دولت علیه عمل صطبل توپخانه مبارک که را محول و مرجوع بعاجله جاه صلاحات
سرمسک توپخانه مبارک نمودند و احکامات عهده بعهده حکام ولایات ممالک مصر و سایر اجانب جناب
اشرف ارفع صدر عظم عظم صا و رشده نقد و غنسی که در بدیهه است از بابت صطبل بخرج ولایات
منظور شده است بی اطلاع صلاحات صاحب منصب توپخانه دیگری مدخل کند و ولایات بی قصور
سند صلاحات اذن ندارند که دیناری لغو موجب و سپور است صطبل بدین مگر بعضی مشارالیه که حاجت
از اقرب الخاقان این لشکر نوشته و مهر کرده باشد) (در روزنامه نقد گفته تفصیلی در باب
رباطات عرض راه شاه شریفه اماکن مقدسه نوشته شده بود که جناب جلال شرف ارفع عظم
صدر ام اکر م اقدم تعمیر آنها فرموده اند در بجزر کتابتی آن سهوی اتفاق افتاده بود که از آنچه مطلب عدوی
بچیدگی و ابهام بهم رسانده خارج از سند اتفاق افتاده بود لهذا برای توضیح آن علی الايجاب تکالیفی
که سرکاری و تعمیر رباطات عرض راه که برای معنی و بخت اشرف علی ساکنین الف الف سخته و شمار از
میستون الی قصر شبرین بعدد حاجه حاجه جعفر خان که از معماران مخصوص جناب عظم است تحمل
و مرجع فرموده و نواب شاهزاده عظم و الاعمال الدوله اما مقلی بزرگتر متکفل و ارس و وقف و اهتمام در
تعمیر آنها نمودند که تطیع عرض راه و تعمیر رباط بوجه حسن و بطور شایسته و بعد از آن در رباطات عرض راه
مشهد مقدس و نیز مبلغ یا زده هزار تومان لغات فرمودند و مباشری رباطات ایوان کعبه و کعبه
بعدد حاجه حاجه مقرب المحضه الخاقانیه حسین خان سرسبز و حاجه کاشی معمار خاصه خودشان و دور باط

۲۵۲۲

میاندشت و صدر آباد را بگنجه و عالیجاه رضاقلیخان بباشه انداخت و خیر حاج حاجی علی نقی نام
 کاشی و دور با ط زعفرانی و کلبه در را بگنجه عالیجاه مقرب الحفزه انخافانیه مصطفی قلیخان حاکم سبز
 مرجع و محول داشتند که ایشان را الله تعالی همگی بزودی تمیر و ساخته شده برای زوار و عابرین
 از جبهه منازل تسهیل بجهت آید (چون مقرب انخافان سیرز بنیم شکر نویسنده فاریس بر آن
 زیارت غنچه طبعه خلافت کبری و شرفیابی حضور جناب اشرف امجد محترم صدارت عظمی در آنجا
 آمده بود و بواسطه تشریف دهشت هر کس فیروزی کوکب هایون در قصر شرف اندوخی خاکبای میانه
 حاصل ساخته بود در روز سه شنبه در وقتی که جناب اشرف معظم شرفیاب حضور هایون می داشتند
 محض ظهور التفات خاصه در حق مقرب انخافان مشارالیه اورا با اتفاق خود بحضور هایون بردند
 و از جناب سنی انجوان هایون مراسم ملوکانه بطور شایسته نسبت مقرب انخافان مشارالیه
 بعل آمده کمال رحمت و التفات در حق او فرمودند) (از قرار یک از جمله نوشته اند
 شب عید نوروز یاران شدیدی بباریده و سبیلی آمده است که با غنهای اطراف رودخانه
 رنجان را آنچه در چهار و پنج سال قبل این درخت نشانده و دیوار کشیده بودند جمعاً جمعاً
 کرده و یک نفر ساربان مقرب انخافان عجمی خان حاکم خمسه را در هزار جریب با یک نفر
 شتر آب برده شتر بیرون آمده و ساربان را بعد از سه روز مرده یافته اند و دو نفر
 از اهل دینج و دو نفر دیگر در رودخانه سارماقو آب برده در شهر رنجان هم با غلب خانها
 و عمارات حتی عمارات دیوانی خرابی بسیار رسیده است و هم چنین از قزوین هم نوشته اند
 که در رودخانه بشت سبیل جاری شده بطوریکه در بعضی از بلوکات و دانات عبور و مرور
 متره دین را مانع آمده است و آب رودخانه ابره رود چنان طغیان نموده که سباه دهن را با خود
 بزرگی و استعداد نزدیک بود حراب نماید اهل ده در عایا خبر شد جمعیت نموده رفتند آنرا بطور
 دیگر انداختند تا ده نزدیک خرابی سبیل سالم ماند اعلاتان است خانه مرحوم میرزا ابراهیم
 معروضه بعلت کلبه که عمارت خوب و عریض است بر روی رودخانه و در محله بازار در گذشته
 بگذر لوطی صالح ورثه مرحوم شادالیه میخواستند بفروش برسانند هر کس خریدار باشد بپردازد با کسب
 فارسی رفت قیمت آنرا با مشارالیه گفت که نماید و هم چنین چند ساعت طلا و نقره نیز
 فروختنی است هر کس طالب خریداری آن ساعتها هم باشد بپردازد با کسب صاحب رودخانه
 بابین مسجد حاجی صفحی و سهارخانه کلبه است

۲۵۲۳

اخبار دول خارجی که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده نوشته میشود

در روزنامه‌های فرنگستان نوشته اند که در دباغچه‌ها پوسته‌ها را که آتش میدهند و میرسانند اگر وقت دار باشد در دو سال و اگر پوست بتره و امثال اینها در نه ماه میرسانند و با بختی در نتیجه خواهد یافت درین مدت حبس است و اگر این خواه را بفتح قرض کرده باشد مبالغی هم نفع پول باید بدو بعضی از روزنامه‌ها درین باب تدبیری کرده بودند که در یک ماه پوست را آتش داده و در نه ماه مصرف میزدند که خواهش آن معطل نمایند و از سر راه ضرر نکنند ولی بجهت زود رسیدن پوست روغن زاج با و میزدند و این روغن پوست را میپزند و در اندک مدت خراب و پاره می شود حال چندست که شخصی اجزای دیگر اختراع کرده و بر روغن زاج مزوج کرده به پوست میزدند که مانع از پوساندن پوست میشود پوست وقت دار را در یکماه و پوست نازک را در پانزده روز میرسانند که در دوام و کار با آن پوست که در دو سال یا نه ماه میرسانند هیچگونه تفاوتی ندارد و نتیجه اجرای صنعت خود بدباغچه‌های انگلیس و فرانسه رفته و از اینجا غریب پرده فرنگستان نموده است که در همه جا صنعت خود را معرفی بدادند (دیگر در روزنامه‌های یونان نوشته اند که قوال دولت یونان امسال بیست و پنج سال است که تصدلی قرالتی جلوس یافته است چون قزاقهای فرنگستان این است که مدت سلطنتان بیست و پنج سال که رسید اجرای ششک و ششک و جشن میمانند قزاق مزبور نیز غریب اجرای ششک و ششک است لیکن نموده بود ولی درین بین جشن عظیم شده ازین جشن عازمان حصول صحت نظر نمود و درین جشن قرار است که برادرش که در نزد او دیگرش که قوال باد به راهپایا و پرس او البرنام دارد حضور بهم رساند و از جانب امپراطور استریت خزان باره و از طرف امپراطور رومیه میوشین پوشیکین نام باین جشن دعوت شده مأمور از جانب دولت خودشان عازم گردید و اندک (قانون خشکی دولت یونان از فرار که نوشته اند همه جهت نه فوج میاشد سه فوج سواره و شش فوج پیاده و از اینها مقصد چهارده نفر چاوش و ده باشی و پنجاه نفر و مقصد مقصد نفر آحاد و سه بلوک سوار و ازین سواران بیست و یک نفر ضابط و سی و نه نفر چاوش و ده باشی و ده و شصت و هفت نفر تابین و عساکر کوچکی نیز چهار بلوک اند بیست و یک نفر ضابط و چهل و یک نفر چاوش و ده باشی و ده بیست و شش نفر تابین و صیقلیه محافظ شهر نیز یک هزار و ده بیست و پنجاه نفرند که قشون یونان جمعا با صیقلیه بیست هزار و صد و پنجاه و یک نفر میباشند) (که در شش قصه معنیدین در حق اعلیحضرت امپراطور فرانس که بکرات در روزنامه‌ها نوشته شده است از فرار که در روزنامه رسی لندن نوشته اند اشخاص مرقوم در یک محلی از لندن عقد بخت نمودند و بباله‌های جمعی از آنها باز

۲۵۲۴

در لندن سینه بعد از مجلس که از جانب دولت فرانسه شده معلوم گردید که باقی این معترضین در لندن
 بیستند در باب تسلیم نمودن آنها به دولت فرانسه از جانب وزیر امور خارجه فرانسه یک تقریر
 به دولت انگلیس شده و این تقریر باین جناب لاردر پارلمنت صدر ^{خط} سایر وکلای دولت مطالعه و دیده
 شده بعد از تامل در مطالب مذکور آن معضای اتحادی که ما بین مجلس انگلیس و فرانسه است و ملاحظه
 شیم حقوق دانی و اتحاد کاری و اینکه بر کسی لازم است که رفع سوء قصد از مانند اعلیحضرت امیر
 فرانسه شخصی نماید قرار دادند که مفیدین فروردین دولت فرانسه تسلیم نمایند بعد از آن این تقریر
 رسمی بنا به اصول موضوعه دولت انگلیس مجلس ملی نیز القاشده در مجلس ملی باینطور گفتگو کردند که این
 ما و ام که در لندن بوده حرکتی خلاف فاعده کرده اند و این سوء قصد را که در باره امیر طور فرانسه داشته
 لندن ظاهر کرده اند بعد از آنکه بفرانسه رفتند در آنجا باقی الضمیر خود را ظاهر نموده اند و باین جهت اشخاص
 ما و ام که در انگلیس بودند با بطبع ملاحظه آنها بظراحی عرض شده اجرای سیاست آنها در فرانسه بدست
 فرانسه راجع و عاید میشود و در دولت انگلیس هر قدر از اهل جرایم و از اهل هر ولایتی که باشند وقتی که بدست
 انگلیس التیج آورده اند و نمودن آنها خلاف قانون موضوعه دولت انگلیس است و حال اینکه این اشخاص که فصل
 در لندن موجودند اگر اراده هم داشته اند از قوه منور فصل نیاروده اند و کبر ایچرم ناکرده موافقه نمودن
 جایز نیست بنا برین در مجلس ملی این مطلب پذیرفته شده و چون قانون آن دولت است که اگر مطلبی باین وکلای
 دولتی و قلمی مختلف فیه نبود رجوع با اکثریت مواداران طرفین بنمایند کثرت مواداران در هر طرف بیشتر
 مطلب انطرف پیش میرود و طرف دیگر سببه اینکه منظورشان پیش زفته از خدمات خود استغفامی کنند و این
 مستد چون اکثریت در طرف مجلس ملی ظاهر شده اند اجناس لاردر پارلمنت و سایر وکلای دولتی و از اهل
 ماه رجب سجدت اعلیحضرت پادشاه انگلیس رفته از مناصب استغفام نمودند و پادشاه نیز استغفای
 آنها را قبول نموده جناب لاردر در بی را که از معارف اعیان انگلیس است بجای لاردر پارلمنت منصب صدر
 منصوب و بقیه سایر وکلای دولت را با انتخاب خیارش را به محمول داشتند و از قرار روزنامه رسمی لندن
 که مجدداً نوشته بودند سایر وکلای نیز بصوابه جنابش را الیه معین شدند از جمله وزارت امور خارجه بلاردر
 که سابقاً نیز وزیر امور خارجه بود محمول ده کالت ثالیات بلاردر و سایر اهل مرجوع گردید و این وکلای جدید
 منوره را چند روز بتولین انداخته تا مذاکرات لازم را نموده بعد از آن رای و قرار خود را در حق معترضین
 موجوده در لندن بجزی دارند (دیگر از قرار روزنامه پارلمنت درین تحقیق افعال این اشخاص که قصد
 اعلیحضرت امیر طور فرانسه را داشته چنانچه رمانی که درست کرده بوده اند از زبان آنها شخصی به ری نام

۲۵۲۵

در مجلس در کارخانه برین خام نام باسم آلات روشنایی بخار و قال سکی درست کرده از آنجا
 به بیجا و از بیجا موخر با این اسم تذکره که مکرم گرفته بشهر بر دکل ارسال نموده و در شهر مزبور درون آن
 چهار بار اجرا کرده و از آنجا بقریه بیار پس رسانده اند بعد از معلوم شدن این مطلب از جناب
 فی الحال از صاحب خانیه که چهارم میزبور در آنجا ساخته شده بود تحقیق چند عدد بودند آنها که دیده میسر شد که
 زیاده از پنجاه عدد ازین چهارم باسم آلات بخار و قال سکی ساخته اند از اینها سه عدد در آن
 که قصد امپراطور فرانس را کردند انداخته و بکده اند نیز در نزدیکی انقضتین بدست آمد که اجزای او را
 رسیدگی کردند باقی این چهارم بطور معلومست در کجاست و دکلاهی دولت و نیز کمال شخص
 در پیدا کردن چهارم میزبور دارند (دیگر نوشته اند که اجزای درون آن یکبار چهارم را که
 واری کردند آن درجه زور و شدت که در او ملاحظه شد بجهت اینکه بعد ازین در اردوهای فرانس
 متداول باشد و در وقت جنگ بکار میرند از جناب وکیل حربیه دولت فرانس با حقن و تجویز
 آن اقدام شده است و زور و شدت این چهارم با آن درجه است که از سه دانگ در آتش انداخته بود
 زیاده از صد و شصت نفر آدم و یازده حیوان تلف و زخمی شده و بیشتر اینها تلف شده آنها هم که زخمی شده
 امید صحت و بهبودی در آنهاست) (در روزنامه شهر روم که پای تحت پاپ پیوای مذکور است
 عیولیت نوشته اند که مانند آن مستدین که قصد امپراطور فرانس را کردند در روم و در
 قصد پاپ را کرده بودند و این اوقات چند نفر از آنها در شهر عاصوی نام و سبک شده اند و
 او امر کانون ثانی هم نوشته که مبنی بر اجرای مافی الضمیر مستدین بود بدست پولیس که عبارت از
 ضابطه و کرمه و مستحظ باشد افتاده در بین تحقیق احوال مستدین معلوم گردیده بود که اینها خیلی
 اشخاص را در قصد پاپ با خود متفق کرده بوده اند بعد بعضی از آن اشخاص از این اراده نکول و از
 همراهی مستدین عدول کرده بودند از آن اشخاص از فرار فرار خود مستدین چاه نفر را بیع پیدا
 پاک کرده بودند) (از فراری که در روزنامه لندن نوشته اند جناب لار و پارلسن که از منصب
 صدارت در این اوقات استهانمود است بکمال عقل و یکاست معروف و تا این اوقات که
 پرومسن شده ارتشیه و ارای مناصب عالییه بوده است از جمله در ایام سلطنت سلطان سلیم خان
 جناب رابیه وکیل حربیه دولت انگلیس شده و مدت سی و پنج سال بلا انفصال این منصب را
 تا دوازده سال قبل ازین منصب صدارت عظمی رسیده و تاکنون چند دفعه ازین منصب
 یافته و بار منسوب گردیده است

۲۵۲۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور المبارک سلطان ابونور علی

منطقه دارالخلافه طهران

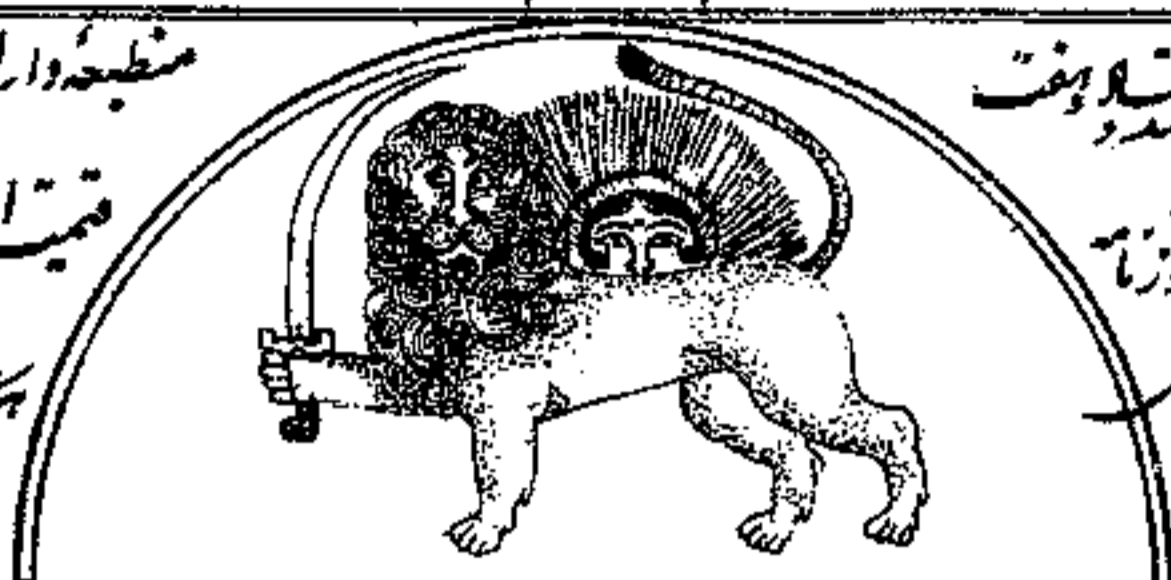
زیر سیصد و هفت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط در هر شماره

پنج و یک



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نوبت و اکرام و اعزاز و احترام جانب علمای اعلام و مجتهدین ذوی القرب و الاحترام
 کرامت ما شایسته سواره اوقات منظور خاطر اقدس عالی پون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان
 شاه و پسران بعد از عید رسم باز دید و اظهار تهنیت طوکانه از آنجا بعمل می
 آید اور روز شنبه بیست و نهم شهریور بحضرت بزرگوار علمای اعلام و فقهاء
 نصیر و آده است از سجد سلطانی عبور فرموده سجاد پسر و برادر مرحوم امام
 شریف کفر ما کرده و بعد از آن سجاد جناب فضایل آیت عظمی العظام قاضی
 سید الله تعالی شریف برده و بعد از اظهار تهنیت طوکانه در باره هر یک از آنها
 مبارک مبارک سلطانی معادوت فرمودند و روز چهارشنبه بیست و نهم شهریور
 دروازه دولت بیرون شریف برده و از دروازه شیران داخل شهر گردیده
 ابتدا شریف فرمای خانیه جناب حقایق و شرایح انتساب عن العلام و المجتهدین حاجی شیخ علی
 سید الله تعالی و بعد از آن سجاد جناب محمد العصر و الزمان حاجی ملا میرزا محمد سید الله
 و از آنجا سجاد جناب آقا محمد پسر مرحوم آقا محمد و شریف برده و توجهات خاطر مایه
 باره هر یک بطور شایسته عمل آمد و مبارک مبارک حضرت فرمودند و در وقت سحر نیز بدین
 جناب مجتهد العصر و الزمان حاجی ملا علی سید الله تعالی شریف برده و از آنجا اکرام و اعزاز
 جناب سنی الیچیل آوردند و در روز او از آنجا اوقات علمای اعلام و فقهاء

۲۵۲۷

چون نواب نیراوزه و الایثار حضرت الدوله حنری میرزا حکمران بن اصفهان را علاوه بر اینکه از قواعد
رسوم حکمرانی و مردم داری و بزرگ نشی چنانکه در خورشید و مجبول فطرت نواب معزی البیه
استحصار کافی و خبرتی وافی حاصل است در مباحم خطیره لشکر و نظم و در بطما لکس جدهم که غنای
قوام و انتظام امور دولت و ملک است بدی طری دارند که کمتر از روشهای لشکر و حکم و ایان کشور
این رتبه و مقام خواهد بود و در حقیقت تفویض حکومت مزبور به ایشان که غالباً عبارت از عالی و
ترقیب و تجسس ذراع و فلاحین بوده و پیشتر در بابیت امر ملاحظه سایش موقتی نواب معزی البیه
بوده است اولیای دولت علیه لیکن ایشان را زیاد بر این بر بوده حکمرانی دار استند اصفهان
مقتضی و داعی بد است حسب الامر بدی احوال و الباهر اخبار ایشان نمودند تا بر جمعی اوجب و اتم
که من جمیع اجهات سزاوار ذات کفالت سات نواب معزی البیه اشتغال حاصل نمایند و
امیرالاعظم مقترب انخافان صبی خان والی را که اولویت و برانندگی با دایره مباحم باین
و حکم داری رعیت و سرپرستی را زمین و ارباب ملاحظت دارند و حاجتین حکومت بر
ایشان در خدمت است حکومت اصفهان بر حسب امر سرکار اعلیحضرت اقدس علی بن علی
که و سلطان برقرار نمودند که در سرپرستی رعیت و آبادی ولایت محاسن سلوک مردم
و ارباب العمل آورد و در مراسم عالی و عمل آوردن منال دیوانی بر حسب رفق و مدارا و استقامت
رعایا و برایا و ترویج رسوم عدل و انصاف کمال کفایت را ظاهر سازد (نواب و
ست نیراوزه و الایثار حضرت الدوله حنری میرزا چون در هر مملکت و ولایت که سمیت حکمران
مضوی شد رعیت و ولایت را از آثار عدل و داد و ایثار صلاح و سداد در اندیشه
فرضتی استوده و آباد کردند و ولایت عراق که در چند سال گذشته حاکم کافی و کامل
و اتفاقاً حکام آنجا بانی تیر بودند و یا معدی و بد بیواسطه رعایای آن ملک قدری ایشان
شده بودند کفالت چنین حکمران مردم داد عدالت دشوار در خور و سزاوار بود که در
آبادی و ولایت و پرستاری رعیت سعی موفور و قدما محصور می دارد و در زنده استند نواب
اولیای دولت قاهره حسب الامر نواب معزی البیه را حکومت آنجا مضروب شد که
رعایا و برایا را از محاسن سلوک و رفقا خود مزود بحال داشته در آبادی و ولایت
استقام کافی مبذول دارند و جبر کسر آنها را بحسن کفالت سلوک خودشان بعمل آورند
(از آنجا که انتظام ولایات و سرحدات خاک این دولت مسواره از ابرام منظور است

۲۵۲۸

اولیای دولت قاهره است باید بجهت نیل این منظور و پیشرفت امور سرحد حاکم کاروان در
کافی و درست کاری را بحکومت سرحد بکار بند که حساب و کتاب مطاع و مقبول القول باشد
و عموم مردم و کارگذاران و اهل بیکان طوعاً و رفقاً و مقام طاعت و انقیاد باشند تا تمام
لازمه سرحدیه بطور شایسته دایر باشد و حیف و میل نقص و قصوری دارد نباید نوآب ضابطی
پسر نوآب و الا بتار محمد رضا میرزا را که شاهزاده کاروان عاقل و قاعده دان است در
بند و شنیدنیست نسل حکومت فراداغ که از سرحد معتدنا به این دولت است از جانب
جوانب هایون آهوس علی سرافرازی حاصل کرد که آثار درایت و درویشناسی در انتظام
مهام سرحد و آبادی ولایت و رفاه حال رعیت مبذول دارد (چون مقرب الخاقان میرزا
مستوفی حاکم قم و ساوه در انتظام امور ولایات ابوجهجی خود و نایب مالک و معابر و غیره
روضه حضرت معصومه قم علیها و علی آبها الف الف التجه و الف الف و سایر بنایهای قسم کاروان
صدرتیه اتهامات کافیه بعمل آورده از عمده خدمات نمونه تجود برآمده بود محض رحمت
سنی ایچوان شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان باعطای یک قطعه شان از مرتبه
میرچکی با بقصام حامل سرخ و سفید که مخصوص همان نشان است سرافراز کردید) چون
راتب لیاقت و قابلیت و استعداد عالیجاه محبت و سجدت همراه میرزا ابوالقاسم
ولد مقرب الخاقان میرزا ذوالفقار خان مستوفی در خاک پای مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی
خلد الله ملکه و سلطان در رخه شهود و ظهور یافت بود لهذا منصب جلیل شاه دیوان عالی سرافراز
کردید) (اختیار حکومت خلخال و طرائق از جانب سنی ایچوان اعلیحضرت شاهنشاهی
مقرب الخاقان مؤتمن سلطان میرزا فضل الله وزیر نظام غیر نظام محبت گردیده و از جانب
عالیجاه محبت و سجدت همراه نتیجی الوزر العظام میرزا اسدخان بنیاب حکومت آنجا منصوب
و برقرار گردید و مقرب الخاقان میرزا ششم خان حاکم سابق خلخال چون در انتظام امر ولایت
و حسن سلوک با رعیت و انجام خدمات دیوانی اتهامات کافیه بعمل آورده بود لهذا مقرب الخاقان
مشاریه نیز بحکومت سراب و کرورد و شقایق سرافراز کردید او را با سجان
از قرار یک در روزنامه تبریز نوشته اند امور ولایت بحسن مراقبت مستطاب شاهزاده
و الا بتار کن الله وله علیه حکم ان ملک او را بجان و اتهامات کافیه سایر کارگذاران دیوانی قریب
و انتظام است و مالی ولایت در کمال رفاه و آسودگی بدو کونی ذات قدس شاهنشاهی

۲۵۲۹

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا عباس منشی که چند بیت مشکل امور را رانده شهر تبریز و متوجه لطف خان
 اطفال زانراست در این اوقات و آرزو تفرات اطفال فرور که بالنسبه در فرا گرفتن استنفازی و عربی
 و فرانسوی و حفظ و ضبط خطب و اشعار عرب و قلمی کامل کرده و ترقی حاصل نموده بودند بخصوص
 مستطاب رکن الدوله العلیه آورده در مقام تجسربه و امتحان در آیه مورد التفات نواب
 معزی الیه شدند از جمله یکی در خواندن خطبه های فارسی و عربی و تخریرات مستحقین و شکستگان
 دکاوت و قابلیت خود را ظاهر کرد و در نظر دیگر روزنامه و بعضی کتب فرانسه را ترجمه کرد
 خوب از عمده برآمده بودند و سه نفر دیگر در تحصیل علوم ادبیه امتیاز خود را از سایرین آشکارا
 بودند نواب معزی الیه فراخور رتبت و قابلیت هر یک انعام و جود نقد با آنها مبدول داشتند و
 توجه خاطر سزاوار قدس شاهین شاهنشاهی و اولیای دولت علیه را و در ترتیب عموم رعایا و تبعه دولت
 از بهترین و ملت که باشند عالی و خاطرشان آنها نموده و نهایت شکر گذاری و امید واری اظهار کرد
 و بعد از دو روز مقرب انخافان حاجی میرزا محمد خان دبیر همام خارجه و عالیجاه مقرب انخافان
 میرزا حسین خان تونسل خیرال تقییر حسب احکام نواب معزی الیه بگری معتمد خان فرور و تحقیق
 سایر متعلمین آنجا رفتند قریب شصت نفر شاگرد تعلیم آمده بود و چهار مستم که یکی تعلیم در سن فارسی
 عربی میکرد و یکی علوم جغرافیا و رسم ارض و سه نفر فرانسوی و نسای تعلیم میبود و دو نفر دیگر نیز مشرق
 دادن خطوط ایرانی و فرانسوی آنها مشغول بودند و با آنها نیز بجهت تشویق انعامی از جانب
 داده شده و عنقریب کارهای قابل که بکار خدمت دولت علیه بیاید در محکم خانه فرور خرم
 رسید (دیگر نوشته اند که خلف قضاوت که بموجب فرمان مهربان بجا یون شاهنشاهی بافتخار
 عالیجاه میرزا مهدی قاضی محنت و عنایت شده بود با آنجا بر تو وصول آنگذره بعد از تقدیم
 و احترام عالیجاه معزی الیه امالی و اعیان و محارف و اشرف را بمنزل خود دعوت کرده
 مهر طلعت را زیب برود و شش عزاز و مباحات خود نموده اهل مجلس زبان بادای مساکین
 خلعت و تهلیل متصب و دو عاکونی ذات آه کس تا یون شاهنشاهی خلد الیه مکه و سلطه
 گویا کردند بعد از صرف شیرینی و نهان بستن زل خود مرحمت نمود) (دیگر نوشته اند
 که چون حسب احکام اولیای دولت علیه مقرر شده بود که مواجب فوج قهرمانیه و فوج سیزده رده
 شود لهذا نواب مستطاب رکن الدوله در اطاق لطف نامه و لشکریان عظام در حضور نواب معزی
 مواجب فوج قهرمانیه را برپا دارند و بعد از تمام ان مواجب فوج سیزده رده را خواهند پرداخت

۲۵۳۰

قزوین

از فراری که در روزنامه قزوین نوشته اند چند سال قبل که بارندگی زیاد شده و سیل در آن ولایت
 آمد بجهت خراب بودن شهر بند قزوین از سیل خرابی کلی بشهر وارد آمد و بود در این ل تیر در اوقات
 بارندگی و طغیان آب رودخانه های قزوین در تلویش بودند و سیل هم شدت کرد و بود و حجاب
 نیز در سبب سبب مزید اضطراب مردم شده بود و بعد از روز بعد از عید جناب عارف خان
 نصایب شیخ الاسلام قزوین با تفاق عالیجاه نقی خان جمعی از اعیان و کدخدایان و محار و بنا سبب
 و باز دید خرابی و بر آورد مصارف تعمیرات شهر بند و سد و غیره بیرون شهر رفته و بدقت
 همه جا را که خرابی بهم رسیده و تعمیر لازم داشت ملاحظه نمودند از جمله از دروازه میلا و کالی
 در دانه میدان کوسفند که شهر بند ساخته شده بود آب آمده و همه جا در زیر قطعه جریان داشت
 اکثری از برج و بند آن سمت را خراب کرده بود و از آن جا بها که شهر بند و خاکریز ساخته بود
 در یک موضع بقدر صد ذرع خرابی بهم رسانده و این موضع همان موضع است که چند سال قبل تیر
 از آنجا شدت کرده و بشهر خرابی رسانده بود و آنچه فرار دادند که معجزه این دو موضع که عمده خرابی
 انجام است ختم شود و بنا و عمل بکار انداختند و سایر خرابیهای بند و بروج را هم صورت باز دید
 آنها را بعضی اولیای دولت قاهره برسانند بطور حکم صادر شود از ان قرار معمول دارند و هم
 رودخانه که از میان شهر جریان دارد در چند جا پلهای قدیم آن خراب شده مانع از جریان آب
 و در بعضی جا بهای خاشاک ولای و کل مانا آمده به برخی مواضع شهر خرابی میرسد قرار گذاشته
 که چند روز آب رودخانه را از خارج شهر بطرف دیگر راه کرده رودخانه را بزرگ و جفت انداخته
 و شیار نموده بعد از آن تطیح و تمهید نمایند و خرابیهای پلهای قدیم را برگیرند که آب بیک اندازه
 از میان شهر جریان داشته باشد و خرابی بشهر نرسد (دیگر نوشته اند که نو اسکالمیاب نرسد
 و الا بشا عبدالقدیر میرزا حکمران قزوین در نظم و اعلیت ولایت و رسیدگی بعضی و داد رعایا
 و انجام محقات و موجودات دیوانی بنفسه مراقبت و رسیدگی بعمل می آورند و عالیجاه نقی خان هم
 و محقات ولایتی را حسب حکم نو آب معزی الیه بصلاح و صوابید جناب عارف نصایب شیخ
 فیصل داده و باستخار جناب معزتی الیه بعضی نو آب هزاره رسانده حکم از اصاد و محوی
 میدارد و در باب نظم شهر و کرند مستحفظ و دفع سرفقت و شرارت کمال موظبت و تمام
 بعمل می آورد

۲۵۳۱